



آموزش تصویرنویسی و نگارش

آموزش تصویرخوانی / تصویرنویسی و نگارش

جشنواره نوجوان خوارزمی در رشته زبان و ادبیات فارسی در سه بخش به شرح زیر برگزار می‌شود.

بخش نخست: تصویرخوانی

(۱) ابتدا می‌بایست عنوانی کوتاه، مناسب و زیبا برای تصویر انتخاب کنید.

(۲) توجه به جزئیات: در این مرحله باید هر آنچه را که از برون تصویر مشاهده می‌کنید و هر آنچه را که از درون تصویر (پس‌زمینه تصویر) می‌بینید و مخیل می‌کنید، در قالب یک یا دو بند به صورت انشایی و کاملاً آزاد و خلاقانه و با توجه به ارتباط عناصر و پیکره تصویر و بدون توجه به ساختار کتاب (مقدمه، بدنه و نتیجه) بنویسید.

(۳) پیام تصویر: در این مرحله پیام و یا پیام‌هایی که از تصویر برداشت می‌کنید در یک بند بنویسید.

بخش دوم: نگارش

(۱) ابتدا از تصویر ارائه شده، یک «موضوع کلی» انتخاب می‌کنید.

(۲) برای موضوع انتخابی خود، به روش بارش مغزی، با توجه به تصویر (برونه و درونه تصویر) معناسازی و خوشه‌سازی می‌کنید.

(۳) نوشتن بند مقدمه: شما باید آن چه که قرار است در بند تنه بنویسید یعنی بخش از خوشه‌سازی‌ها و معناسازی‌ها را در بند مقدمه، معرفی کلی کنید. در واقع، در این بخش، مقدمه متن خود را می‌نویسید. به بیان دیگر شما به عنوان نویسنده؛ بخش مقدمه را به معرفی موضوع و بیان ایده اصلی خود از موضوع اختصاص می‌دهید. می‌توان گفت؛ نویسنده در بند مقدمه طرز تفکر و برداشت خود را از موضوع می‌نویسد.

(۴) نوشتن بند تنه/بدنه: بند تنه بخش اصلی نوشته است. در این بخش نیازی نیست که شما هر آنچه در تصویر می‌بینید؛ تمام اجزا را بنویسید. زیرا مشاهدات خود را از تمام اجزا و عناصر در بخش تصویرخوانی (توجه به جزئیات) نوشته‌اید. آنچه ارزش دارد؛ این است که شما، آن سه یا چهار مورد را که از تصویر، معناسازی کلی انجام داده‌اید و در واقع بخش یا بخش‌هایی از تصویر، ریزموضوع نوشته‌تان در بندهای تنه قرار گرفته است؛ در بند بدنه به صورت جمله موضوع بنویسید و جملات موضوع را با شرح، تفسیر، توضیح، دلیل و تأیید و... تقویت، پشتیبانی و حمایت کنید.



آموزش و راهنمای محور زبان و ادبیات فارسی جشنواره نوجوان خوارزمی



در واقع هریک از معناسازی کلی، موضوع نوشته فرد در بخش تنه خواهد بود. به طور مثال اگر شما یک موضوع کلی انتخابی از تصویر را، چهار واژه خوشه‌سازی و معناسازی کرده باشید، هریک از آن واژه‌ها؛ موضوع یک بند در بخش بدنه خواهد بود.

۵) بند نتیجه: آخرین بخش نوشته شما، بند نتیجه است. در این مرحله می‌بایست از نوشته‌تان جمع‌بندی تأثیرگذار و تفکر برانگیز داشته باشید. متن تولیدی شما در پایان می‌بایست فرجام خوش، تفکربرانگیز و تأثیرگذار باشد.

بخش سوم: خوانش

شما فقط بخش نگارش را اجرای خوانش داشته باشید و نیازی نیست که بخش اول نوشته (تصویرنویسی = انتخاب عنوان، توجه به جزئیات و پیام را) بخوانید.

ناظر جشنواره نوجوان خوارزمی

تصویرنویسی چیست؟

تصویرنویسی از منظر جناب دکتر اکبری مؤلف کتاب‌های درسی مهارت‌های نوشتاری و...

تصویرنویسی از دید شناخت واژگانی، یک بافت ترکیبی- اشتقاقی است که از سه پاره ی (تصویر + نویس + ی) ساخته شده و به معنای: نگاه کردن به تصویر و نوشتن آن چه از تصویر به ذهن برده‌ایم، نوشتن تصویر، نوشتن در باره ی تصویر، توصیف و تفسیر تصویر، نگاره‌نویسی، تصویرگزاری (یعنی گزارش‌نویسی از تصویر).

بنابراین، تصویر در این جا، ایستگاه اندیشیدن، بهانه‌ی خوب دیدن و به کار انداختن مغز و تولید نوشته است. هم چنان که از این معانی دریافت می شود؛ تصویرنویسی دو مرحله‌ی کلی دارد: خواندن (تصویرخوانی)، نوشتن (تصویرنگاری)

الف: خواندن (تصویرخوانی)

خواندن خود چند سازه یا پاره دارد: **خواننده - خواندن - متن - معنا.**

خواننده، من و شما یا هرکسی است که متن پیش رو را می‌خواند.

خواندن یا خوانش، آن کاری است که به هنگام رویارویی با متن رخ می‌دهد.



آموزش و راهنمای محور زبان و ادبیات فارسی جشنواره نوجوان خوارزمی



متن آن چیزی است که در برابر دیدگان ما یا هر خواننده، جای می‌گیرد و دست‌مایه‌ای برای به کار افتادن چرخه‌های کارخانه‌ی فکر می‌شود. به بیان دیگر، هر صفحه، صحنه و رویداد، از دید ما متن است. از این رو، متن می‌تواند دیداری باشد مانند تصویر، صحنه، فیلم یا رویداد، می‌تواند شنیداری باشد مانند هر صدایی که آگاهانه به آن گوش می‌سپاریم و در پی آن ذهن، معناسازی می‌کند و یا می‌تواند خوانداری باشد مانند این نوشته یا هر نوشته‌ی دیگر که در آن، کلمات نماد دیداری هستند؛ به همین سبب متن‌های خوانداری، متن‌های دیداری هم به شمار می‌روند. پس، متن نوشته و متن تصویری هر دو دیداری‌اند؛ تفاوتشان در این است که در متن دیداری تصویری، نماد خواندن، شکل، نگاره، صحنه یا رویداد است اما در متن نوشتاری، نماد خواندن، واژه‌ها هستند.

یادکرد این سخن هم بایسته است که از دیدی دیگر، می‌توان بر بنیاد پنج درگاه حسی، متن‌ها را به پنج گونه، رده‌بندی کرد:

- متن شنیداری: آوا و صدایی است که از راه دو گوش، دریافت و خوانده می‌شود.
 - متن دیداری: نشان و نمادی است که از دریچه‌ی چشمان، دریافت و خوانده می‌شود.
 - متن بویشی: چیزی است پراکنده در هوا که از باد راه رفت و برگشتی نفس، از سوراخ‌های بینی، دریافت و خوانده می‌شود.
 - متن چششی: چاشنی، طعم و مزه‌ای است که از راه حسّ چشیدن، در گستره‌ی دهان و زبان، دریافت و خوانده می‌شود.
 - متن پساوشی: پیکره و جسمی است که از راه پسودن و لمس، چگونگی جنس آن‌ها دریافت و خوانده می‌شود. نابینایان از این گونه متن و خوانش، بهره می‌گیرند.
- از این دیدگاه، خواندن هم بر حسب ابزار پنج حس، به پنج گونه، بخش‌پذیر می‌شود که برای سادگی نامگذاری، نام همان ابزارها را بر این گونه‌ها نهاده‌ام:

- ۱- خواندن گوشی؛ در این گونه، مغز اطلاعات را از راه گوش، دریافت می‌کند.
 - ۲- خواندن چشمی؛ در این گونه، مغز اطلاعات را از راه چشم، دریافت می‌کند.
 - ۳- خواندن دماغی؛ در این گونه، مغز اطلاعات را از راه بینی، دریافت می‌کند.
 - ۴- خواندن زبانی؛ در این گونه، مغز اطلاعات را از راه زبان، دریافت می‌کند.
 - ۵- خواندن پوستی؛ در این گونه، مغز اطلاعات را از راه پوست، دریافت می‌کند.
- پیداست که در «تصویرخوانی»، گونه‌ی دوم خواندن و شاهراه چشم، در کار خواهد بود. به همین روی، می‌گوییم تصویرخوانی، تمرین خوب دیدن و پرورش دقت در نگاه است. ...